



طرحی مفید برای پیشبرد پژوهش‌های سبک‌شناسی

دکتر سعید حمیدیان

برایشان جوابی اندیشیده شده باشد. تهیه منبعی موسوم به فرهنگ بسامدی برای کلیه متون شعر و نثر همراه با تمام اطلاعات و آمارگیریهایی لازم اولیه که بالقوه در تحقیقات مربوطه به کار می‌تواند آمد، و همچنین دستورهای تاریخی و فرهنگهای تاریخی، اساسی‌ترین گام در راه علمی کردن استنتاجات و تحلیلهای سبک‌شناختی است، همچنان که این نوع منابع در سایر صنوف تحقیقات زبانی و ادبی و حتی برخی زمینه‌های مشترک میان زبان و ادبیات و سایر رشته‌های علوم انسانی نیز به کار می‌آید.

مدتی قبل، دوست دانشمند فارسی‌شناس و رئیس گروه مطالعات اروپایی-آسیایی دانشگاه ونیز با ارسال نامه‌ای به وزارت ارشاد اسلامی قصد گروه خود را دایر بر اجرای طرحی برای کمک به پژوهش‌های سبک‌شناختی بر مبنای حدود بیست تا سی متن شعری فارسی اعلام داشت و در ضمن آن از وزارت مذکور برای اجرای این طرح پرهزینه و عظیم کمک مالی خواست. متعاقب آن، وزارت ارشاد از اینجانب (و شاید هم از برخی افراد دیگر آشنا با این زمینه) در باب ارزش و فایده طرح نظرخواهی کرد، و بنده نیز با توجه به احساس نیاز شدیدی که شمه‌ای از آن گفته آمد پاسخ مثبت خود را به آن وزارت اعلام داشت. اکنون بسی مایه مسرت است که می‌بیند این طرح به مرحله عمل درآمده و ان شاء الله در صورت آگاهی اهل فن از آن تأثیرات خاص خود را در پژوهش‌های سبک‌شناسی و شاخه‌های حول و حوش آن آشکار خواهد ساخت.

باری، گروه ایتالیایی مجری طرح حاضر نیز همان احساس و نظر را دارند که نگارنده این سطور، و آن را در مقدمه راهنمایی که به زبان انگلیسی برای تشریح کم و کیف و چگونگی استفاده از رشته تألیفات مورد نظر نوشته‌اند در میان نهاده‌اند. آنان به درستی متذکر عقب ماندگی این شعبه از علم ادب و علل آن شده و راه حل عملی را برای رفع این نقیصه در آن دیده‌اند که به عنوان نخستین گام بر روی متون شعر غنائی فارسی (اعم از غزلیات و تغزل و تشبیب‌های قصاید) کار کنند، و برطبق توضیحات خودشان عجالتاً متونی را مورد بررسی قرار می‌دهند که طبع منقح و انتقادی از آنها به دست باشد. نحوه کار چنان است که از هر متن یکهزار بیت به صورت غزلها یا نسیبهای کامل اختیار می‌کنند و به شرحی که خواهیم گفت بسامدگیریهایی گوناگون و جداول و نمودارهای لازم را در خصوص هر شاعر در مجلدی جداگانه در اختیار جویندگان می‌گذارند تا از آنها به عنوان مواد خام در پژوهش‌های خود سود جویند. گروه مذکور تاکنون سه مجلد از رشته تألیفات خود را به ترتیب درباره حافظ و بابافغانی شیرازی و طالب آملی به چاپ رسانده و چونان طلایه مجلدهای بعدی به ایران فرستاده

آیا از خود پرسیده‌ایم که چرا تحقیقات سبک‌شناختی - همچون برخی زمینه‌های دیگر پژوهش در زبان و ادب فارسی - از فرط فقر به بیابانی قفر می‌ماند و تا بدین حد سترون است؟ و چرا هنوز چیز چندان مهمی به کوشش‌های آغاز شده در چهل پنجاه سال پیش، بویژه به دست شادروان ملک الشعراى بهار، افزوده نشده است؟ اطمینان دارم که دست اندرکاران ادب، خاصه اساتید دردآشنایی که به تدریس درس سبک‌شناسی نظم و نثر می‌پردازند این را از خود می‌پرسند. اما جوابی اجمالی که نگارنده می‌تواند به این پرسش بدهد این است: تحقیقات و تألیفات محدود و معدود مادر این زمینه مهم بدبختانه تاکنون کمتر بر پایه‌های استوار از روش‌شناسی علمی و منابع مبنایی، بویژه آمارها و بسامدگیریه‌ها و محاسبات و استنتاجات متقن از مواد و مصالح کار، استوار بوده است. نمی‌خواهم یا نمی‌توانم منکر زحماتی شوم که اهل تحقیق تاکنون با دست خالی در این راه کشیده و حاصل آن را به صورت چند کتاب و مقاله به تشنگان این وادی عرضه داشته‌اند؛ و به گمانم خود این افراد بهتر از هر کسی می‌دانند که این گونه تلاش‌ها را کارهای کامل و بی‌خلل دانستن یا تعارف است و یا خود گول زدن، که در هر حال بدور از شأن علم و تحقیق است. حقیقت این است که کوشش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر جنبه برخورد شخصی داشته و عمدتاً بر پایه ذوق، دید، دریافت، تجربه، حافظه و اطلاعات شخصی (و به قول فرنگیان impressionistic) بنا گردیده است که بی شک محدود و خلل‌پذیر خواهد بود، زیرا برای گرفتن نتایج علمی یا تقریباً علمی صرفاً نمی‌توان به عوامل یاد شده اتکا و اکتفا کرد. چنین است که هنوز بسیاری از مقولات و مسائل در این شعبه پژوهشی حتی مطرح نشده، تا چه رسد به این که

است، با این مشخصات:

1) Daniela Meneghini Correale. *Hafez; Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines*. Venezia, 1989, 438p.

2) Roscianach Habibi [and] Riccardo Zipoli. *Faghani; Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines*. Venezia, 1989, 415p.

3) Daniela Meneghini Correale. *Taleb. Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines*. Venezia, 1990.

همچنین عنوان کلی این رشته تألیفات «Lirica Persica» (شعر تغزلی فارسی) است.

شکل کلی کار در بخشهایی از هر کتاب همانند کتابی است که قبلاً به مناسبت برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ (۱۳۶۷) با مشخصات زیر انتشار داده‌اند:

Daniela Meneghini Correale. *The Ghazals of Hafez; Concordance and Vocabulary*. Roma, 1988.

(برای اطلاع بیشتر درباره این اثر بنگرید به مقاله‌ای که نگارنده در معرفی و نقد آن در شماره اول از سال نهم همین مجله - آذر و دی ۱۳۶۷ - نوشته است).

و اما مشخصات راهنمایی که گروه برای تشریح جزئیات و دقایق طرح خود انتشار داده است چنین است:

Daniela Meneghini Correale, Giampaolo Urbani, Riccardo Zipoli. *Handbook of Lirica persica*. Venezia, 1989, 116p.

در این راهنما پس از مقدمه‌ای در باب وضعیت پژوهشهای مربوط به سبک‌شناسی (که قبلاً بدان اشارت رفت)، مطالبی از این‌گونه آمده است: زمینه پژوهش، مثل اشعار و شاعران مورد نظر؛ متدولوژی پژوهش، شامل توضیحاتی در باب متون چاپی، کار با کامپیوتر، نمونه‌برداری، آوانویسی اشعار و نحوه استخراج مدخلها؛ توضیح درباره اهداف پژوهش، چگونگی پیشبرد اطلاعات بدست آمده؛ تشریح ساختمان و بخشهای مختلف هر يك از مجلدات؛ و بالاخره توضیحاتی درباره جنبه‌های فنی کار با کامپیوتر.

در این جا بخشهای مختلفی از مجلد مربوط به فغانی را به عنوان نمونه به اختصار معرفی می‌کنیم (البته ساختار همه کتابها یکسان است):

۱) فهرست غزلها.

۲) متن یکهزار بیت از غزلیات شاعر، که البته به حروف الفبای لاتینی و نیز با استفاده از نشانه‌های فونتیکی آوانویسی شده است.

۳) فهرست بسامدی به ترتیب الفبایی، بدین سان که در مقابل هر مدخل، بسامد یا «فرکانس» (یعنی تعداد دفعات کاربرد در هزار بیت مذکور) و محل ظهور واژه در متن به ترتیب نشان داده شده است، و هر مدخل به متن آوانویسی شده پیشگفتار ارجاع می‌شود. بدیهی است که ترتیب الفبایی موجود با الفبای فارسی

تفاوت دارد، چنان که مثلاً حرف «ع» (⊕) نخستین حرف در این فهرست است.

۴) فهرست الفبایی معکوس، به این صورت که مدخلها از حرف آخر به سمت اول ترتیب یافته و مقابل هر کدام بسامد آن ذکر شده است.

۵) فهرست واژه‌ها برحسب بسامد؛ در این فهرست، مدخلها به ترتیب عدد بسامد (از بالاترین تا پایین‌ترین) مرتب شده‌اند، چنان که مثلاً کسرۀ اضافه (e) با بالاترین عدد در رأس قرار گرفته و پس از آن اقلام پرکاربرد مثل «که»، «از»، «با»، آمده است، و بر همین قیاس تا پایین‌ترین بسامد (عدد يك).

۶) جدول شماره ۱، حاوی آمارها و محاسبات کلی از جهات مختلف.

۷) فهرست بسامدی اجزای کلمات، بدین صورت که عناصری که جزء دوم هر کلمه مرکب را تشکیل می‌دهند به ترتیب الفبایی همراه با بسامد آن آمده‌اند، مانند عنان در ترکیب «هم‌عنان»، عیار در «پاک‌عیار» و عذار در «گل‌عذار».

۸) فهرست بسامدی صورتهای کاربردی هر ماده به ترتیب الفبایی، بدین سان که ابتدا اصل ماده و بسامد مجموع صورتهای کاربردی آن ذکر شده و سپس در مقابل آن هر يك از صورتهای همراه با بسامد خاص خود آمده است. برای مثال در قسمت حرف «ع» ابتدا آمده: «عاشق» و مقابل آن عدد ۳۶، یعنی این کلمه و مشتقات آن جمعاً ۳۶ بار در شعر فغانی به کار رفته، و آنگاه در جلو آن آمده است:

24 ⊕aṣeq

8 ⊕aṣeqan

4 ⊕ossaq

بنابر این معلوم می‌شود که عاشق ۲۴ بار، عاشقان ۸ بار و عشاق ۴ بار در متن ظاهر شده که بر روی هم بالغ بر همان ۳۶ بار می‌شود. البته چنانچه کلمه‌ای فقط به يك صورت به کار رفته باشد (مثل واژه «ذات») خود آن با بسامد مربوطه ذکر گردیده است.

۹) فهرست صورتهای کاربردی (مذکور در ذیل شماره ۸) به ترتیب بسامد واژه‌ها، یعنی مثلاً کسرۀ اضافه با بسامد ۲۵۰۹ در رأس و واژه «ذات» با بسامد ۱ در انتهای فهرست قرار گرفته است.

۱۰ تا ۱۴) جدولهای شماره ۲ تا ۶، به همان صورت که در ذیل شماره ۶ ذکر شد.

۱۵) نمودارهای مختلفی که براساس اطلاعات مندرج در جدولهای پیشگفته ترسیم شده است (جمعاً ۲۹ فقره). منحنی‌های موجود برای پژوهندگان می‌تواند شاخصهایی تعیین برخی ویژگیهای سبک‌شناختی باشد.

۱۶) فهرست بسامدی هر غزل به صورت جداگانه آمده، یعنی تمامی کلمات و عناصر دستوری موجود در هر شعر به ترتیب از بالاترین تا پایین‌ترین بسامد مرتب گردیده است.

به نظر اینجانب طرح حاضر با توجه به فواید عملی آن در پیشبرد و ارتقای سطح پژوهش و همچنین کمک شایانی که به بهسازی متدولوژی تحقیق می‌تواند کرد، دریغ است که مهجور و بلااستفاده بماند یا نهایتاً بهره‌گیری از آن به شماری محدود از اهل ادب محدود شود. به خصوص که رهبر طرح، پروفیسور زیبولی، در نامه پیشگفته اظهار داشته بود که چیزی در حدود ۶۰ نسخه از رشته تألیفات مربوط به این طرح را برای هموطنان علاقه‌مند ما به ایران خواهند فرستاد، با قید این که تعداد علاقه‌مندان مسلماً بیش از این نخواهد بود. البته با توجه به خالی بودن زمینه این گونه پژوهشها احتمال می‌رود که تعداد پژوهندگان سبک‌شناسی و دست‌اندرکاران نیازمند به این نوع منابع مبنایی بیش از اینها باشد، و لذا در صورتی که اطلاعات لازم و کافی از چگونگی طرح و طرق استفاده از آن در اختیار تشنگان این وادی قرار گیرد، شاید تخمین مذکور دقیق نباشد؛ بنابراین در اینجا به مجریان طرح پیشنهاد می‌کنم که برای گسترش هر چه بیشتر حاصل زحمات خودشان جزوه‌ای کوچک به زبان فارسی حاوی آگاهیهای لازم درباره طرح و طرز استفاده از آن انتشار دهند تا آن دسته از دست‌اندرکاران زبان و ادب فارسی که کمتر با زبان انگلیسی آشنایی دارند از وجود این طرح آگاه و به بهره‌گیری از آن انگیزه شوند.

در خاتمه جا دارد که وزارت ارشاد اسلامی به منظور ادامه کوششهای محققان ایتالیایی و نشر و گسترش حاصل آن در داخل کشور اولاً ترتیبی دهد که از کارهای منتشره به دست ایشان نسخه‌هایی به تعداد کافی برای استفاده کتابخانه‌ها و افراد ذی‌علاقه در سراسر کشور توزیع گردد؛ ثانیاً از آن‌جا که ممکن است استفاده از صورت فعلی این رشته تألیفات با توجه به آوانویسی و ترتیب الفبای لاتینی برای پژوهندگان ایرانی تا حدودی دشوار باشد، با تقبل زحمتی، که در برابر آن دوستان ایتالیایی ناچیز خواهد بود و مثلاً به عنوان یک طرح پژوهشی سخت مفید، راهنمایی کامل، شامل تمامی اطلاعات لازم در باب روش کار در سبک‌شناسی، همراه با نمونه‌ای حتی محدود از شیوه استخراج مواد بر مبنای یکی از متون فارسی، بسامدگیری، تهیه جداول حاوی درصدگیری‌های لازم برای استنتاجات مربوطه و سایر ملزومات آن تهیه و میان علاقه‌مندان منتظر توزیع کنند، تا چنان نشود که این کوشش و خدمت بزرگ فارسی‌دانان غیر ایرانی در مملکت ما بلااستفاده و بی‌دنباله بماند و ما همچنان جامانده از قافله پژوهشهای روشمندان جدید.

نظر اجمالی به

چند کتاب چاپ خارج

روایت تاجیک داستانهای کوتاه ایرانی

Hikoiahoi Eron, Navisandagani Mouasiri, Ibarat ae do cild, Došanbe, Adib, 1988- 1989, 336+331 p.

داستانهای ایرانی از نویسندگان معاصر، در دو جلد، دوشنبه [تاجیکستان]، انتشارات ادیب، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، ۳۳۶+۳۳۱ ص.

چنانکه در مقدمه کتاب آمده است پاره‌ای از کسانی که درباره ادبیات معاصر ایران تحقیق کرده‌اند علی‌اکبر دهخدا را بنیادگذار داستان کوتاه در ادبیات امروز ایران می‌دانند. البته ساده‌نویسی در عصر قاجار به همت نویسندگانی چون قائم‌مقام فراهانی، سپهر، رضاقلیخان هدایت، شیخ احمد روحی، ملک‌خان، طالبوف، مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی آغاز شد اما توسط دهخدا و اسلافش به کمال رسید و به دست محمدعلی جمالزاده شکل تازه به خود گرفت. «فارسی شکر است» جمالزاده اولین داستان کوتاه در ادبیات معاصر فارسی است که در آن نویسنده هم پاکیزگی و یگانگی زبان ملی را مورد توجه قرار داده و هم از بیعدالتی و هرج و مرج نکوهش کرده است. اما دوره سلطنت رضاشاه که «همچون دوره سیاه تاریخ ایران معروف است، برای اهل ادب و برای رواج علم و هنر خیلی نامساعد بود. هر گونه آزاداندیشی و آزادی بیان و رویه دموکراسی مورد تعقیب نیروهای ارتجاعی... قرار می‌گرفت... و ادیبان پیشرو کشور، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، بهار، بزرگ علوی و امثال اینها گرفتار شکنجه و اسارت شدند». در عین حال «صادق هدایت توانست بر ضد سیاست تعصب‌آمیز و ستمکارانه دولت و بیسامانی کشور... به مبارزه برخیزد» او یک «حکایه‌نویس برجسته است... که از بی‌سرانجامی وطن، و فقر و بینوایی ملت